



Analytical typology of narrations of the narrators (case study: Surah Al-Imran)

Mohammadhadi Ghahari kermani ¹ 

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.
ghahari@uk.ac.ir

Abstract

In many narrations, the contents of the verses of the Quran have been applied to examples. These narrations are called continuous narrations. This feature of the Quran, which is called the rule of continuous and application, guarantees the immortality of the Quran. Since, on the one hand, in the narrational sources, continuous narrations, which are considered as interpretive narrations, are not separated from interpretive narrations, and on the other hand, the examples to which the verses of the Quran have been applied have various types, therefore, extracting continuous narrations from among the interpretive narrations and their typology is important and necessary. The main question of this research is: into what types can continuous narrations in Surah Al-Imran be divided? In order to answer the aforementioned question, first, the narratives of the narrators were extracted and studied from among the interpretive narratives of Surah Al-Imran, and through a descriptive-analytical method, it was determined that the narratives of the aforementioned Surah can be divided into five types, which are: one: narratives expressing the general or universal application of the verse over time, two: narratives expressing the absolute or universal application of the verse at the time of revelation, three: narratives expressing the absolute or universal application of the verse over time, four: narratives expressing the esoteric application of the verse at the time of revelation, and five: narratives expressing the esoteric application of the verse over time.

Keywords: Jari, adaptation, rule of Jari and adaptation, narrations of Jari, types of Jari and adaptation, Surah Al-Imran.

Research Article



Received: 2025-07-02 ; Received in revised from: 2025-10-04 ; Accepted: 2025-10-07 ; Published online: 2025-10-07

◆ How to cite: ghahari kermani, M. H. (2025). Analytical typology of narrations of the narrators (case study: Surah Al-Imran). (e231643). *Qur'anic Ta'wīl Studies*, (84-103), e231643
doi: 10.22034/qc.2025.532368.1187



گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه: سوره آل عمران)

محمدهادی قهاری کرمانی^۱

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. ghahari@uk.ac.ir

چکیده

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیق، تطبیق شده است. از این روایات تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. این ویژگی قرآن که از آن به قاعده جری و تطبیق یاد می‌شود، ضامن جاودانگی قرآن است. از آن جا که از یک سو در منابع روایی، روایات جری - که در زمره روایات تائویلی به شمار می‌روند- از روایات تفسیری جداسازی نشده، و از سوی دیگر، مصادیقی که آیات قرآن بر آنها تطبیق شده اند، انواع گوناگونی دارند، از این رو، استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری و گونه‌شناسی آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که روایات جری در سوره آل عمران به چه گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند؟ در راستای تحقق پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا روایات جری از بین روایات تفسیری سوره آل عمران استخراج و مورد مطالعه قرار گرفت. با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که روایات جری در سوره یادشده به پنج‌گونه قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، دو: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول، سه: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، چهار: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول، پنج: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان.

کلیدواژه‌ها: جری، تطبیق، قاعده جری و تطبیق، روایات جری، انواع جری و تطبیق، سوره آل عمران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۷/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۱۵ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۷/۱۵

♦ استناد به این مقاله: قهاری کرمانی، محمدهادی. (۱۴۰۴). گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه: سوره آل عمران). مطالعات تائویلی قرآن، (۱۰۳-۸۴)، ۲۳۱-۲۶۳. doi: 10.22034/qc.2025.532368.1187



پژوهشی

۱. طرح مسأله

از ویژگی‌های قرآن کریم جاودانه بودن آن است؛ زیرا سند کامل‌ترین ادیان آسمانی است که ناسخ تمام ادیان پیشین بوده و پاسخ‌گوی نیازهای بشریت در طول اعصار و قرون تا قیامت خواهد بود. معارف قرآن مختص به عصر مخصوصی نیست. قرآن آنچه را فضیلت می‌خواند در همه ادوار بشری، فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند می‌شمرد، همیشه ناپسند و زشت است؛ همچنین آنچه از احکام عملی تشریح می‌کند، مخصوص عصر نزول و اشخاص آن عصر نیست، بلکه تشریحی است عمومی، جهانی و ابدی. بیانات قرآن عمومیت داشته و تعلیل‌های آن مطلق است؛ برای نمونه، مدح یا مذمتی که در حق جمعی از مؤمنان یا کافران وارد شده و معلل به وجود صفاتی خاص در آنها است - در صورتی که همان صفات را در دیگران نیز می‌یابیم - نباید مخصوص همان افراد دانست؛ بنابراین اگر در شأن نزول آیات، روایاتی آمده است که مثلاً می‌گوید آیه‌ای بعد از فلان جریان نازل شده، یا آیاتی درباره شخص یا واقعه‌ای خاص نازل شده است، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم؛ زیرا اگر این‌گونه فکر کنیم باید بعد از انقضای آن واقعه یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود، حال آن‌که حکم آیه، مطلق است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۲/۱)

پس قرآن کتابی است که در غایب همانند حاضر، جاری است و بر حال و آینده همانند گذشته، جاری و منطبق می‌شود. همه احکام، قوانین، اوصاف و ویژگی‌های آن فراتر از مرزهای مکانی و زمانی است. از این ویژگی قرآن کریم در روایات به «جری» تعبیر شده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۶۷/۱)

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیق، تطبیق شده است. از این روایات، تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. این ویژگی قرآن که از آن به قاعده جری و تطبیق یاد میشود، ضامن جاودانگی قرآن است. از آن‌جا که از یک سو در منابع روایی، روایات جری از روایات تفسیری، جداسازی نشده، و از سوی دیگر مصادیقی که آیات قرآن بر آنها تطبیق شده است، انواع گوناگونی دارند، از این رو، استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری و گونه‌شناسی آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که روایات جری در سوره آل عمران به چه گونه‌هایی قابل تقسیم‌اند؟ در راستای تحقق پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا روایات جری از بین روایات تفسیری سوره آل عمران استخراج و مورد مطالعه قرار گرفت و پس از تحلیل آنها، گونه‌ها و انواع مختلف این روایات کشف گردید که در ادامه به شرح آنها پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

علامه مجلسی به جری و تطبیق اشاره نموده و چنین نگاشته است: «اگر آیه‌ای در باره قومی نازل شود، حکم آن آیه در مورد امثال آن قوم تا روز قیامت جریان دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۲۴) فیض کاشانی نیز در رابطه با جری و تطبیق می‌نویسد: «احکام خداوند ناظر به حقایق کلی و مقامات نوعی است، نه ویژگی‌های فردی و شخصی؛ بنابراین در جایی که به قومی خطابی شود یا عملی به ایشان نسبت داده شود از نظر علما و خردمندان، هر آن‌کس که مانند آن قوم و طینت و سرشت آنان باشد، داخل در آن خطاب و عمل باشد.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۶/۱) علامه طباطبایی به عنوان احیاگر جری و تطبیق، به صورت گسترده از آن در تفسیر المیزان استفاده نموده و با تکیه بر این قاعده به تبیین آیات و روایات پرداخته و نیز با استناد به آن به اشکالات مطرح شده پاسخ داده است. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۲۲۱؛ نصیری، ۱۳۸۵: ۵۰۶-۵۲۳؛ قهاری کرمانی، ۱۴۰۲: ۲۵۱-۲۷۴) در مقاله «جری و تطبیق در المیزان» به بررسی جری و تطبیق در تفسیر المیزان پرداخته شده است. (ر.ک: نصیری، ۱۳۷۵: ۷۸-۹۶) در فصل چهارم کتاب «روش‌های تأویل قرآن» به تفصیل درباره جری و تطبیق قرآن بر اهل بیت علیهم‌السلام و مخالفان‌شان بحث شده است. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۷-۲۰۴) مقاله «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق» در صدد است با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، قاعده یادشده را اثبات کند. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۱-۶۶) در مقاله «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان علیهم‌السلام» کوشیده شده تا ابعاد مختلف این قاعده بررسی و نمونه‌های به کارگیری آن در سیره معصومان علیهم‌السلام گزارش، تبویب و تحلیل شود. (ر.ک: نورایی، ۱۳۹۰: ۳۱-۴۴) مقاله «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن» در صدد کشف انواع جری و تطبیق و نیز روش‌ها، مبانی و آسیب‌های این قاعده بر آمده است. (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۹۱: ۷-۳۲) در مقاله «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن» به بیان شاخصه‌های روایات جری و تطبیق، اقسام روایات جری و بیان ارتباط آنها با بطن، تأویل و تفسیر قرآن پرداخته شده است. (ر.ک: سلیمی زارع، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۴۱) مقاله «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» به استخراج مبانی قاعده مذکور از منظر علامه طباطبایی پرداخته است. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۹۲: ۵-۲۶) مقاله «جری و تطبیق در احادیث امام رضا علیه‌السلام» به استخراج مواردی از قاعده جری و تطبیق در روایات نقل شده از امام رضا علیه‌السلام پرداخته است. (ر.ک: لک‌زایی و قاسم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۹۴) مقاله «روش‌های به کارگیری قاعده جری و

تطبیق در حوزه فهم قرآن» به دنبال بررسی مفهوم و مصداق منطقی و روش تنقیح مناط در قاعده جری و تطبیق است. (ر.ک: رضایی کرمانی، ۱۳۹۵: ۴-۲۷) مقاله «مبانی ادبی و زبان شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به استخراج مبانی این قاعده از جنبه ادبی و زبان شناختی پرداخته است. (ر.ک: راد و مؤمن نژاد، ۱۳۹۶: ۵۷-۷۹) در مقاله «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به تحلیل نسبت منطقی قاعده جری و تطبیق با اشکال مختلف فهم قرآن یعنی تفسیر، تأویل و باطن پرداخته شده است. (ر.ک: مسعودی صدر، ۱۳۹۷: ۱۵۳-۱۷۵) مقاله «گونه شناسی تحلیلی روایات جری» روایات جری را در شش گونه طبقه بندی کرده و به تحلیل هر یک از آن‌ها پرداخته است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ۱۸۶-۲۰۶) در مقاله «گونه شناسی تحلیلی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» روایاتی را که علامه بر آن‌ها قاعده جری و تطبیق جاری دانسته، دسته بندی و تحلیل شده است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ ب: ۲۵۱-۲۷۴)

در کتاب «معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی» ضمن اشاره ای گذرا به اصول و مبانی جری و تطبیق از منظر علامه طباطبایی، معیارهای این قاعده از نگاه وی استخراج و نمونه های روایی هر معیار ارایه شده است. (ر.ک: هاشمی نسلجی، ۱۳۹۸: ۱-۱۷۲) در کتاب «مفهوم شناسی جری و تطبیق با تکیه بر تفاسیر متأخر» به بررسی مفهومی قاعده جری و تطبیق در تفاسیر متأخر، به ویژه تفسیر المیزان پرداخته و نقش آن را در تفسیر باطنی و تطبیقی آیات قرآن تبیین می کند. (ر.ک: ساکی، ۱۴۰۲: ۸۹ به بعد)

در رساله دکتری «بررسی و تحلیل مبانی روایات جری و تطبیق با تاکید بر اندیشه علامه طباطبایی» به تبیین زیرساخت های نظری و مبنایی روایات جری پرداخته شده است. (ر.ک: سجادی پور، ۱۳۹۵: ۴۸-۲۸۱) در رساله دکتری «بررسی مبانی و روش های بکارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه تفسیر قرآن» ضمن پرداختن به نسبت این قاعده با مفاهیمی چون بطن، تأویل و اشتراک، به گونه شناسی روایات جری از دو منظر مصادیق خارجی و تعابیر لفظی آیات پرداخته و برای هر کدام دسته بندی منسجمی ارایه شده است. (ر.ک: رستمیان، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۳۵۲) در رساله دکتری «بررسی مبانی و شواهد جری و تطبیق در قرآن» به استخراج، دسته بندی و تحلیل علمی مبانی و دلایل قاعده جری و تطبیق پرداخته شده است. (ر.ک: مؤمن نژاد، ۱۳۹۵: ۲۹-۱۲۲) تفاوت مقاله حاضر با پژوهش های قبلی این است که این تحقیق در صدد استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری سوره آل عمران و تشخیص و تحلیل گونه های این روایات می باشد.

۳. جری و تطبیق در لغت و اصطلاح

۳-۱. جری و تطبیق در لغت

جری به معنای روان شدن، جریان داشتن و حرکت منظم در طول زمان است؛ از این رو، این واژه برای حرکت کشتی، حرکت خورشید، وزیدن باد، دویدن اسب و روان شدن آب استفاده می‌شود. (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷: ۲۳۱۰/۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۴۰/۱۴) تطبیق از ریشه «طبق» به معنای قرارگرفتن دو چیز برهم و هم‌پوشانی کامل آن دو بر یکدیگر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۴/۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۷/۲)

۳-۲. جری و تطبیق در اصطلاح

علامه طباطبایی در تعریف آن چنین نگاشته است: «مقصود از جری این است که قرآن شریف از حیث انطباق بر مصادیق، وسعت داشته و به موارد نزول آیات اختصاص ندارد، بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌گردد؛ مانند مثل‌هایی که خاص موارد اولیه نیستند، بلکه در هر چیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شوند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۷/۳) وی ذیل آیه ۷ سوره آل عمران صریحاً جری را تعیین مصداق آیه دانسته و می‌نویسد: «این که در روایت آمده قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد، هم تأویل و هم تنزیل را شامل می‌شود. در مرحله تنزیل، منطبق بر همان اصطلاحی است که در اخبار با عنوان جری آمده که بر انطباق معنای کلام بر مصداق آن دلالت دارد؛ مانند انطباق آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه/۱۲۰) بر همه مؤمنان متأخر از زمان نزول آیه که این خود نوعی از انطباق است؛ و نوع دیگرش که دقیق‌تر از آن است، انطباق آیات جهاد بر جهاد نفس، و انطباق آیات منافقان بر فاسقان از مؤمنین است؛ و نوع سوم آن، که باز از نوع دوم دقیق‌تر است انطباق آیات منافقان و آیات مربوط به گنه‌کاران، بر اهل مراقبت و اهل ذکر و حضور قلب است، که اگر احیاناً در مراقبت و ذکر و حضورشان کوتاهی و یا سهل‌انگاری کنند در حقیقت نوعی نفاق و گناه مرتکب شده‌اند؛ و نوع چهارم که از همه انواع انطباق دقیق‌تر است، انطباق همان آیات منافقان و گنه‌کاران است بر اهل مراقبت و ذکر و حضور، در قصور ذاتیشان از ادای حق ربوبیت.» (همان: ۷۲/۳)

دقت در مثال‌های فوق نشان می‌دهد که مراد علامه از مصداق، «ما ينطبق عليه المفهوم» است که هم شامل مصداق عینی خارجی و هم شامل مفاهیم فراگیری که مفاهیم دیگری را در بر می‌گیرد، می‌شود. همچنین همنشینی تعبیر

«من قبیل الجری» با تعابیری مانند «التطبیق» و «الانطباق» در تفسیر المیزان، نشان می‌دهد که از نظر ایشان جری عبارت است از تطبیق دادن آیه بر مصادیق آن. (برای مشاهده فهرست این موارد در تفسیر المیزان: ر.ک: نفیسی، ۱۳۹۲: ۸-۹) بنابراین جری به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدیغیر از مورد و شأن نزول آیه، تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و یا از مصادیق معنای باطنی آن.

۴. انواع روایات جری در سوره آل عمران

با عنایت به آنچه که گذشت، منظور از روایات جری، روایاتی هستند که در آنها به بیان مصادیقی از آیه، غیر از مورد و شأن نزول آیه پرداخته شده است. صاحب این قلم در اثری دیگر به گونه‌شناسی تحلیلی روایات جری پرداخته است که حاصل آن پژوهش این شد که روایات جری دارای شش گونه متفاوت هستند. به دیگر سخن، روایات جری به دوگونه کلی قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق معنای ظاهری آیات؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق معنای باطنی آیات. گونه یکم به چهار نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ سه: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان؛ چهار: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان. گونه دوم به دو نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ۱۹۱-۲۰۳)

۴-۱. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی قابل تطبیق هستند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول آیه پرداخته شده است. منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، در زمان نزول آیه، موجود بوده است؛ اگرچه ممکن است در دوران‌های پس از زمان نزول آیه، مصادیقی در گذر زمان نیز به وجود آید که مشابه مصادیق آیه در زمان نزول باشند. (قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ ب: ۲۶۰)

لازم به ذکر است که مصداق اطلاق یا عموم آیه با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق اطلاق یا عموم آیه در حقیقت از اطلاق یا عموم معنای ظاهری

آیه، اتخاذ شده؛ اما مصداق باطنی آیه از معنای باطنی آیه استخراج شده است. همچنین مصداق اطلاق یا عموم آیه برای غیرمعصوم نیز قابل تشخیص است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است. (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ۷۸) در سوره آل عمران نمونه‌ای از این گونه از روایات جبری مشاهده نشد.

۴-۲. روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق اتمّ و اکمل اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول پرداخته شده است. منظور از مصداق اتمّ این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، معصوم یا دشمن معصوم باشد. (قهاری کرمانی، ۱۴۰۲: ۲۶۱) در ادامه به ذکر این گونه روایات در سوره آل عمران پرداخته خواهد شد.

یک: امام صادق علیه السلام آیه ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸) را قرائت کرد: سپس فرمود: «به خدا قسم! علی علیه السلام بر دین ابراهیم و بر روش اوست.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷۸/۱) عبارات (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) در آیه ۶۸ آل عمران عام است و همه پیروان ابراهیم علیه السلام و مؤمنان زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بر می‌گیرند؛ اما در روایت مذکور، از امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان مصداق اتمّ (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) یاد شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه در زمان نزول به شمار می‌رود.

۴-۳. روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیقی از معنای ظاهری آیه است که در دوران پس از نزول آیه محقق می‌شوند. به دیگر سخن، قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و معنای مطلق یا عام آیاتش بر مصادیق جدید در گذر زمان تطبیق می‌یابد. در ادامه به ذکر این گونه روایات در سوره آل عمران پرداخته خواهد شد.

یک: امام باقر علیه السلام آیه ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ (آل عمران/۶۸) را تلاوت نمود، سپس فرمود: «به خدا قسم! شما [شیعیان] بر دین و بر طریقه ابراهیم هستید و شما سزاوارترین مردم به او می‌باشید.» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۴۷)

دو: امام صادق علیه السلام آیه ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸) را قرائت کرد، سپس فرمود: «شما [شیعیان] سزاوارترین مردم به او (ابراهیم) هستید.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷۸/۱) سه: عمر بن یزید نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابن یزید! به خدا قسم! تو از ما اهل بیت هستی. گفتم: قربانت گردم، از آل محمد هستیم؟ فرمود: آری، به خدا قسم! گفتم: جانم فدای تو، از خودشان هستیم؟ فرمود: آری، ای عمر! به خدا قسم! از خود آنها هستی؛ آیا کتاب خداوند عزوجل را نخوانده‌ای که می‌فرماید: نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به آیین او) ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است؟» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۵)

چهار: عمر بن یزید نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به خدا قسم! شما از خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستید. گفتم: قربان شما بشوم، از خود آنها هستیم؟ فرمود: آری، به خدا قسم! از خود آنها هستید، و سه بار این کلام را تکرار کرد. سپس به من نگاه کرد و من هم به او نگاه کردم. آن‌گاه فرمود: ای عمر! خداوند در کتابش می‌فرماید: نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و (نیز) این پیامبر و کسانی که (به آیین او) ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است.» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۵/۱)

عبارات (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) در آیه ۶۸ آل عمران عام است و همه پیروان ابراهیم علیه السلام و مؤمنان زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بر می‌گیرند؛ اما در روایات فوق، از شیعیان زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به عنوان مصداق (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) یاد شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایات از نوع بیان مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «همانا علی بن ابی طالب علیه السلام امام امت من و جانشین من در بین امتم بعد از من است و از جمله فرزندان او قائم منتظر علیه السلام است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که پر از ظلم و ستم شده است؛ قسم به کسی که مرا به حق به عنوان بشیر، مبعوث کرد کسانی که در زمان غیبتش بر اعتقاد به او ثابت قدم باشند از کبریت احمر نایاب‌تر هستند. جابر بن عبدالله انصاری ایستاد و گفت: ای رسول خدا! آیا برای قائم علیه السلام از فرزندان غیبت است؟ فرمود: به خدا قسم! بله؛ ﴿وَلِيْمَحْصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمَحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۱) ای جابر! این امر، امری از امور خداوند و رازی از رازهای خداست که از بندگان خدا پوشیده است؛ مبادا در آن شک کنی، زیرا شک در امر خدای عزوجل کفر است.» (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۸۷/۱)

عبارت «وَلِيْمَحْصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» در آیه ۱۴۱ آل عمران، مطلق است و هر نوع امتحان برای خالص کردن مؤمنان را شامل می‌شود؛ اما در این حدیث بر امتحان غیبت قائم علیه السلام تطبیق شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایت از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

شش: حذیفه بن یمان نقل می‌کند هنگامی که جعفر بن ابی طالب از حبشه خارج شد و به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، به اتفاق به سرزمین خیبر رفتند. در آن جا برای پیامبر صلی الله علیه و آله کاسه‌ای از مشک و عنبر و قطیفه‌ای آوردند؛ حضرت فرمود: «این قطیفه را به مردی می‌دهم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی آن قطیفه سرک کشیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام کجاست؟ عمار بن یاسر که خداوند از او خشنود باد، از جایش پرید و علی علیه السلام را صدا زد. وقتی علی علیه السلام آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای علی! این قطیفه را بگیر. علی علیه السلام آن را گرفت و صبر کرد تا این که وارد مدینه شد و به بقیع رفت که بازار مدینه بود. از یک طلا ساز خواست که قطیفه را رشته رشته کند و آن طلا را به قیمت هزار مثقال فروخت. علی علیه السلام آن را در میان نیازمندان مهاجر و انصار تقسیم کرد. سپس به خانه‌اش برگشت و برای خودش از آن طلا هیچ برنداشت، نه کم و نه زیاد. پیامبر صلی الله علیه و آله فردای آن روز او را در میان تعدادی از یارانش دید که حذیفه و عمار هم در میانشان بودند. رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: ای علی! دیروز هزار مثقال گرفتی، امروز باید من و این یاران مرا برای ناهار مهمان کنی، و در آن روز نزد علی علیه السلام کالایی از طلا و یا نقره نبود. از روی حیا و احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: چشم ای رسول خدا! با کمال میل. بفرمایید و با دوستانتان داخل شوید. پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و سپس به ما گفت: بفرمایید. حذیفه گفت: ما پنج نفر بودیم، من و عمار و سلمان و ابوذر و مقداد که خداوند از او خشنود باد داخل شدیم. علی علیه السلام نزد فاطمه (س) رفت و از او غذا خواست. در وسط منزل دیگری از خورشت در حال جوشیدن بود و پر آب بود و بوی خوشی هم داشت. علی علیه السلام آن را برداشت و جلوی پیامبر صلی الله علیه و آله و کسانی که با او بودند گذاشت. از آن خوردیم و سیر شدیم. نه کم آمد و نه زیاد. پیامبر صلی الله علیه و آله بلند شد و نزد فاطمه (س) رفت و فرمود: ای فاطمه! این را از کجا آوردی؟ فاطمه (س) در جواب او فرمود: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/۳۷) و ما گفتار آن دو را شنیدیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از منزل فاطمه (س) خارج شد و می‌فرمود: خدا را سپاس که مرا زنده نگه داشت تا این که آن چه را که زکریا در مورد مریم دیده بود، درباره دخترم دیدم. هرگاه زکریا در محراب بر او وارد می‌شد در نزد او طعامی

می دید و می گفت: (یا مریم اَتَى لَكَ هَذَا) و او جواب می داد: (هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۴)

هفت: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «فاطمه (س) کارهای خانه علی علیه السلام را انجام می داد؛ آرد می کرد و نان می پخت و جارو می کرد و علی علیه السلام هم کارهای بیرون را برای فاطمه (س) انجام می داد. هیزم می آورد تا غذا بپزد. روزی به او گفت: ای فاطمه! آیا چیزی داری؟ گفت: نه به خدا قسم، سه روز است که چیزی نداریم تا از تو پذیری کنیم. امام گفت: پس چرا به من نگفتی؟ فاطمه (س) گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا منع کرد که از تو چیزی بخواهم و گفت: از پسر عمویت چیزی نخواه. اگر خودش چیزی آورد، آورد وگرنه تو از او چیزی نخواه. علی علیه السلام از منزل خارج شد و مردی را دید و از او یک دینار قرض کرد. شب هنگام بود که مقدار بن اسود را دید و به او گفت: چه باعث شده است که این موقع بیرون بیایی؟ گفت: به خدا قسم، گرسنگی باعث شده است. راوی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در آن موقع پیامبر صلی الله علیه و آله زنده بود؟ فرمود: بلی زنده بود. در ادامه، علی علیه السلام به مقدار فرمود: یک دینار قرض کرده ام و آن را به تو می دهم. آن را به مقدار داد و خودش به منزل رفت. مشاهده کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته و فاطمه (س) در حال خواندن نماز است و بین آن دو، چیزی قرار دارد که پوشیده است. وقتی فاطمه (س) نماز را تمام کرد، آن چیز را حاضر کرد. ناگهان دید که دیگ بزرگی است از نان و گوشت. پرسید: ای فاطمه! این را از کجا آوردی؟ جواب داد: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران/۳۷) آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا دوست داری ماجرای را که شبیه این ماجرا است، برای تعریف کنم؛ عرض کرد: بلی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن گاه که زکریا وارد محراب شد و در نزد مریم طعام فراوان دید، از او پرسید: (يَا مَرْيَمُ اَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ)؛ آنها یک ماه تمام از آن غذا خوردند و آن همان ظرفی است که امام قائم علیه السلام از آن می خورد و آن ظرف نزد ما است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷۱/۱)

آیه ۳۷ آل عمران ظهور در نزول غذای بهشتی بر حضرت مریم (س) دارد؛ اما در دو روایت اخیر بر نزول غذای بهشتی بر حضرت زهرا (س) تطبیق شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در روایات یادشده از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان است.

۴-۴. روایات بیان کننده مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

در بسیاری از آیات قرآن کریم واژه ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصداق متعددی تطبیق می کنند. در روایات متعددی که ذیل این گونه

از آیات نقل شده است به بیان مصداق اتمّ و اکمل اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان پرداخته شده است. در ادامه به ذکر مواردی از این گونه روایات در سوره آل عمران می‌پردازیم.

یک: در نامه امیرمؤمنان علیه السلام به معاویه چنین آمده است: «کتاب خدا آنچه از (حقوق و برتری) ما پراکنده گشته، جمع نموده، و آن گفتار خدای پاک است: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ (انفال/۷۵) و نیز این گفتار خداوند متعال: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸) پس ما از طرفی به سبب خویشاوندی، و از جهت دیگر به علت پیروی نمودن، [به خلافت] سزاوارتریم.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۸۷) دو: از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که در خطبه‌ای فرمود: «خدای عزوجل فرمود: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸) پس ما نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم هستیم و ما وارث او هستیم.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۶۰/۱)

سه: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ایشان درباره آیه ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ فرمود: «آنها ائمه علیهم السلام و کسانی که از ایشان پیروی می‌کنند، هستند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۷۲/۲)

چهار: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که درباره آیه ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ فرمود: «آنها ائمه علیهم السلام و پیروان آنها هستند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷۷/۱)

عبارات (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) در آیه ۶۸ آل عمران عام است و همه پیروان ابراهیم علیه السلام و مؤمنان زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بر می‌گیرند؛ اما در روایات فوق، از ائمه علیهم السلام به عنوان مصداق اتمّ (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ) و (الَّذِينَ آمَنُوا) یاد شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایات از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

پنج: از امام کاظم علیه السلام درباره آیه ﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ (آل عمران/۵۳) چنین روایت شده که فرمود: «مراد از آنان [شاهدان] ما هستیم که به نفع پیامبران و علیه امت‌های آنان گواهی می‌دهیم.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۸۳/۴)

واژه (الشَّاهِدِينَ) جمع محلیّی به الف و لام و عام می‌باشد؛ لذا همه شاهدان را در بر

می‌گیرد؛ اما در این روایت بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این حدیث از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

شش: امام رضا علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت نموده که حضرت فرمود: «بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند، و کسی که آنها را بکشد، و کسی که یاور قاتل آنها باشد، و کسی که آنها را دشنام دهد، حرام شده است. ﴿أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران: ۷۷)» (امام رضا علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۴۹)

هفت: امام رضا علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت نموده که حضرت فرمود: «خداوند بهشت را بر ستمکار بر اهل بیت من و قاتل آنان و دشنام‌دهنده به آنان و یاور این افراد، حرام کرده است؛ سپس آیه: ﴿أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ...﴾

(آل عمران/ ۷۷) را تلاوت نمود.» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۲۰)
عبارت «الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا» در آیه ۷۷ آل عمران عام است و شامل کسانی می‌شود که هر نوع عهدی را به بهای ناچیزی می‌فروشند، اما در دو حدیث اخیر بر کسانی که عهد امامت را به بهای ناچیزی می‌فروشند و به اهل بیت علیهم‌السلام ظلم می‌کنند، تطبیق شده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایات از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۴-۵. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول

در این دسته از روایات، مصادیق باطنی آیات که در زمان نزول وجود داشته‌اند، ذکر شده است. در این جا به ذکر این گونه از روایات در سوره آل عمران می‌پردازیم. یک: امام صادق علیه‌السلام پس از تلاوت آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران/ ۸۱) فرمود: «[پیامبران] حتماً به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایمان می‌آورند و حتماً به یاری علی علیه‌السلام می‌شتابند. راوی گفت: به یاری علی علیه‌السلام می‌شتابند؟ فرمود: بلی، خداوند هیچ پیامبر و رسولی را نفرستاده، مگر این که آنها را به دنیا باز می‌گرداند تا در رکاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بجنگند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۱/۱)

دو: از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که درباره آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ» (آل عمران/ ۸۱) فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را از آدم علیه‌السلام گرفته تا سایر پیامبران نفرستاده است، مگر این که باز می‌گردند و به علی علیه‌السلام کمک می‌کنند، و این گفته خداوند است: به او ایمان بیاورید که مقصود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد و حتماً یاریش کنید که مقصود امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌باشد.» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۶/۱)

دوره هفتم
شماره سیزدهم
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

سه: امام صادق علیه السلام آیه «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» (آل عمران/۸۱) را تا آخر تلاوت کرد و فرمود: «باید به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان بیاورید و به یاری علی علیه السلام بشتابید، و فرمود: بلی، به خدا قسم، از آدم گرفته تا همه پیامبران، خداوند هیچ پیامبر و یا رسولی را نفرستاده، مگر این که همه آنها را به دنیا باز می‌گرداند تا در حضور علی علیه السلام بجنگند.» (حلی، ۱۴۲۱: ۱۱۲)

چهار: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «خداوند تبارک و تعالی ... از پیامبران، عهد و پیمان گرفت که به ما ایمان بیاورند و به یاری ما بشتابند. آن جا که می‌فرماید: (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ)؛ یعنی به محمد صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و به یاری جانشین او بشتابند. به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردند، ولی به جانشین او کمک نکردند؛ اما به زودی همگی کمک خواهند کرد.» (حلی، ۱۴۲۱: ۱۳۱)

پنج: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «سپس بعد از آن [میثاق بر توحید در عالم ذر] از پیامبران نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان گرفت تا امیرمؤمنان علیه السلام را یاری کنند؛ سپس فرمود: و (یاد کن) هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم؛ سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست، تصدیق کرد؛ منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید؛ منظور امیرمؤمنان علیه السلام است، یعنی امت‌هایتان را از پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینش با خبر سازید.» (قمی، ۱۳۶۳: ۲۴۶/۱)

شش: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «(یاد کن) هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم؛ سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست، تصدیق کرد؛ البته به او یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان بیاورید و حتماً او یعنی جانشینش امیرمؤمنان علیه السلام را یاری کنید؛ و خداوند هیچ پیامبر و یا رسولی را نفرستاده، مگر این که از همه آنها نسبت به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و امامت علی علیه السلام پیمان گرفته است.» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۲۱)

عبارت (لَتَنْصُرُنَّهُ) در آیه ۸۱ آل عمران ظهور در یاری رساندن به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دارد، اما در روایات فوق بر یاری رساندن به امیرمؤمنان علیه السلام تطبیق شده است؛ بنابراین جبری و تطبیق در این روایات از نوع بیان مصداق معنای باطنی آیه در زمان نزول به شمار می‌رود.

۴-۶. روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان

در بسیاری از روایات به بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان پرداخته شده است.

در ادامه به ذکر و تحلیل این روایات در سوره آل عمران می پردازیم.
 یک: امیرمؤمنان علیه السلام آیه «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۶۸) را تلاوت کرد و فرمود: «همانا دوست محمد صلی الله علیه و آله کسی است که از خدا اطاعت کند، هرچند که خویشاوند محمد صلی الله علیه و آله نباشد و دشمن محمد صلی الله علیه و آله کسی است که از خدا نافرمانی کند، هرچند با محمد صلی الله علیه و آله خویشاوند باشد.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۴)

آیه ۱۶۸ آل عمران ظهور در نزدیک ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام دارد؛ اما در این حدیث بر نزدیک ترین مردم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله تطبیق شده است؛ لذا جری و تطبیق در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می رود.

دو: به امام کاظم علیه السلام نامه ای نوشته شد و از ایشان درباره مردی که برده خود را تدبیر کرده بود؛ - یعنی به برده اش گفته بود: بعد از مرگ من، تو آزاد هستی؛ - پرسیده شد که آیا این مرد می تواند برده را بفروشد؟ حضرت در جواب نامه نوشت: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ جَلَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ» (آل عمران/۹۳) «عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۸۵/۱)

ظاهر آیه ۹۳ آل عمران در مورد تدبیر برده نیست، اما امام کاظم علیه السلام تنقیح مناط نموده و ضمن استخراج یک قاعده کلی از آیه، آن را بر موضوع تدبیر برده، تطبیق کرده است؛ بنابراین جری و تطبیق در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می رود.

سه: از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند، به جز سه نفر. پرسیدند: آن سه نفر کدامند؟ فرمود: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی، و پس از مدت کوتاهی افراد دیگری را نیز معرفی نمود و فرمود: این ها کسانی هستند که آسیاب بر آنان چرخید (در معرض آزمایش ها و دشواری ها قرار گرفتند) و از بیعت [با ابوبکر] خودداری کردند، تا این که امیرالمؤمنین علیه السلام را با اکراه و اجبار آوردند و بیعت کرد، و این گفته خداوند عزوجل است که می فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران/۱۴۴) «کلینی، ۱۴۲۹: ۵۵۸/۱۵)

چهار: از ابن عباس نقل شده است که درباره آیه «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» گفت: «منظور از شاکرین، علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد و منظور از کسانی که به گذشته خود برگشته اند، کسانی هستند که از علی علیه السلام برگشته اند.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۴۰/۲)

دوره هفتم
 شماره سیزدهم
 پاییز و زمستان
 ۱۴۰۳

عبارت «مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا» در آیه ۱۴۴ آل عمران ظهور در کسانی دارد که پس از رحلت پیامبر ﷺ از عقیده خود برگردند و مرتد شوند؛ اما در روایات فوق بر کسانی که پس از رحلت پیامبر ﷺ از امامت علی ﷺ برگشتند، تطبیق شده است؛ لذا جری و تطبیق در این احادیث از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود. همچنین واژه (الشَّاكِرِينَ) در آیه ۱۴۴ آل عمران عام است و همه شاکران را در بر می‌گیرد؛ اما در روایت اخیر بر امیرمؤمنان ﷺ تطبیق شده که این جری و تطبیق از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان است.

پنج: امام صادق ﷺ از شخصی پرسید: ساکن کوفه هستی؟ عرض کرد: بله؛ حضرت فرمود: آیا قاتلان حسین ﷺ را در میان خود می‌بینید؟ عرض کرد: جانم به فدایت، من کسی از آنها را ندیدم. فرمود: «بنابراین در نظر تو قاتل، فقط کسی است که بکشد یا انجام قتل را بر عهده بگیرد؛ آیا این سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۸۳) کسانی که محمد ﷺ در بین آنها بود، کدام پیامبر را کشته بودند در حالی که بین محمد ﷺ و عیسیٰ ﷺ هیچ پیامبری نبود؟! آنها به قتل پیامبران راضی شدند، و از همین رو، قاتل نام گرفتند.» (عیاشی، ۱۳۸: ۲۰۹/۱)

ظاهر آیه ۱۸۳ آل عمران درباره یهودیان زمان پیامبر ﷺ است که چون راضی به قتل انبیا توسط اجدادشان بودند به عنوان قاتل انبیا معرفی شده‌اند؛ ولی در این روایت، بر کسانی که راضی به قتل امام حسین ﷺ هستند و در زمره قاتلان آن حضرت به شمار می‌روند، تطبیق شده است؛ لذا جری و تطبیق در این حدیث از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

از تحلیل روایات جری مرتبط با سوره آل عمران این نتیجه حاصل شد که از شش گونه روایات جری، پنج گونه آن در روایات یادشده وجود دارد. این گونه‌ها عبارت‌اند از: یک: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان؛ سه: روایات بیان‌کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان. چهار: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول؛ پنج: روایات بیان‌کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان. همچنین از گونه ششم یعنی روایات بیان‌کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول، در بین روایات جری مرتبط با سوره آل عمران موردی مشاهده نشد.

منابع

- قرآن کریم.
- امام رضا علیه السلام، علی بن موسی (۱۴۰۶ق): «صحیفه الإمام الرضا علیه السلام»، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق): «مناقب آل ابی طالب علیهم السلام»، قم: انتشارات علامه.
- ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق): «لسان العرب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق): «تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة»، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق): «المحاسن»، قم: دار الکتب الإسلامیة.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹): «تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق): «الصحاح»، بیروت، دار العلم.
- حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق): «مختصر البصائر»، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دارالعلم.
- راد، علی و مؤمن نژاد ابوالحسن، (۱۳۹۶)، «مبانی ادبی و زبان شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۱۴، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۶، صص ۵۷-۷۹.
- رستمیان، مرضیه (۱۳۹۵): «بررسی مبانی و روش های بکارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه تفسیر قرآن»، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۶)، «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، فصلنامه اندیشه دینی، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۶، صص ۵۱-۶۶.
- رضایی کرمانی، محمد علی، (۱۳۹۵)، «روش های به کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، دوره ۲۱، شماره ۸۰، پاییز ۱۳۹۵، صص ۴-۲۷.
- ساکي، نانسی (۱۴۰۲) «مفهوم شناسی جری و تطبیق با تکیه بر تفاسیر متأخر»، تهران: انتشارات هورین.
- سجادی پور، حسن (۱۳۹۵): «بررسی و تحلیل مبانی روایات جری و تطبیق با تأکید بر اندیشه علامه طباطبایی»، قم: دانشگاه قم.
- سلیمی زارع، مصطفی، (۱۳۹۲)، «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، دوره ۱۹، شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۲۴-۱۴۱.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶): «روش های تأویل قرآن»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق): «نهج البلاغه»، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق): «کمال الدین و تمام النعمة»، تهران: اسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق): «الإحتجاج علی أهل اللجاج»، مشهد: نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق): «الأمالی»، قم: دارالثقافة.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵): «مجمع البحرين»، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق): «تفسیر العیاشی»، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق): «کتاب العین»، قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق): «تفسیر الصافی»، تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳): «تفسیر القمی»، قم: دارالکتاب.
- قهاری کرمانی، محمد هادی، (۱۳۹۸)، «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۶۸-۹۶.
- _____، (۱۴۰۲ الف)، «گونه شناسی تحلیلی روایات جری»، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۲۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۸۶-۲۰۵.
- _____، (۱۴۰۲ ب)، «گونه شناسی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، دوره ۵۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۵۱-۲۷۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق): «الکافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- لک زابی، صغری و قاسم نژاد، زهرا، (۱۳۹۴)، «جری و تطبیق در احادیث امام رضا علیه السلام»، مجله بینات، سال ۲۲، شماره ۸۶ و ۸۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۸۵-۱۹۴.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۵۳ق): «بحار الأنوار»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مسعودی صدر، هدیه، (۱۳۹۷)، «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۹، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۵۳-۱۷۵.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مؤمن نژاد، ابوالحسن (۱۳۹۵): «بررسی مبانی و شواهد جری و تطبیق در قرآن»، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- نصیری، علی، (۱۳۷۵)، «جری و تطبیق در المیزان»، مجله علوم و معارف قرآنی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، صص ۷۸-۹۶.
- ، (۱۳۸۵): «رابطه متقابل کتاب و سنت»، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی.
- نفیسی، شادی (۱۳۸۴): «علامه طباطبایی و حدیث»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ، (۱۳۹۲)، «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، مجله قرآن شناخت، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۵-۲۶.
- نورایی، محسن، (۱۳۹۰)، «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان علیهم السلام»، مجله آموزه های قرآنی، دوره ۸، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۳۱-۴۴.
- هاشمی نسلجی، علی (۱۳۹۸): «معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی»، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- یزدان پناه، یدالله، (۱۳۹۱)، «جری و تطبیق، روش ها و مبانی آن»، مجله حکمت عرفانی، سال ۱، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۷-۳۲.

Resources

Holy Quran

Nahj al-Balagha, Sharif al-Razi, Mohammad bin Hossein, research by Sobhi Saleh, Qom, Hijrat, 1414 AH.

Imam Reza (a.s.), Ali Bin Musa, Al-Imam al-Reza (a.s.) Newspaper, Mashhad, Imam Reza (a.s.) World Congress, 1406 AH.

Ibnshahr Ashub, Muhammad Bin Ali, Menaqib Al Abi Talib (AS), Qom, Allameh Publications, 1379 AH.

Ibn Manzoor, Muhammad, Lasan al-Arab, Beirut, Dar Ihya al-Trath Al-Arabi, 1408 AH.

Astarabadi, Ali, Taweel al-Ayaat al-Zahira fi Fadael al-Utrah al-Tahira, Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation, 1409 AH.

Barqi, Ahmad bin Mohammad bin Khaled, Al-Mahasen, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiya, 1371 AH.

Javadi Amoli, Abdullah, Tasnim, Qom, Isra Publishing Center, 1379.

Jawhari, Ismail bin Hammad, Al-Sahah, Beirut, Dar al-Ilm, 1407 AH.

Hilli, Hassan bin Sulayman, Muqashtul-Basair, Qom, Al-Nashr al-Islami Foundation, 1421 AH.

Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Beirut, Dar al-Ilm, 1412 AH.

Rad, Ali and Mominejad Abul-Hasan, "Literary and Linguistic Fundamentals of Jari and Al-Malami in Interpretation of the Quran", Quarterly Journal of Quran and Hadith Sciences Research, No. 33, Spring 2017.

Rostamian, Marzieh, A Study of the Fundamentals and Methods of Applying the Rule of Jari and Al-Malami in the Field of Interpretation of the Quran, Ferdowsi University, 2016.

Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, "Manifestation of the Eternality of the Quran in the Rule of Jari and Al-Malami", Quarterly Journal of Religious Thought, No. 25, Winter 2007.

Rezaei Kermani, Mohammad Ali, "Methods of Applying the Rule of Jari and Al-Malami in the Field of Understanding the Quran", Quarterly Journal of Quranic Research, No. 80, Fall 2016.

Saki, Nancy, Concepts of Jari and Al-Malami with Reliance on Later Interpretations, Tehran, Horin Publications, 1402.

Sajjadipour, Hassan, Review and Analysis of the Basics of Jari and Al-Malami Narratives with Emphasis on the Thought of Allama Tabataba'i, Qom University, 1395.

Salimi Zare, Mustafa, "The Place of Jari and Al-Malami Narratives in the Process of Interpreting the Quran", Quranic Research Quarterly, No. 73, Spring 1392.

Shakir, Mohammad Kazem, Methods of Interpreting the Quran, Qom, Islamic Propaganda Office of the Seminary, 1376.

Sadouq, Mohammad Ibn Ali, Kamal al-Din and Tamam al-Na'ma, Tehran, Islamiyah, 1395 AH.

Tabataba'i, Mohammad Hussein, Al-Mizan in Interpretation of the Quran, Beirut, Al-A'lami Press Foundation, 1390 AH.

Tabresi, Ahmad Ibn Ali, Al-Ihtjaj on Ahl al-Lajjaj, Mashhad, Murtaza Publications, 1403 AH.

Tusi, Muhammad ibn Hassan, Al-Amali, Qom, Dar al-Saqafah, 1414 AH.

Turayhi, Fakhr al-Din, Majma' al-Bahrain, Tehran, Mortazavi Bookstore, 1375.

Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud, Tafsir al-Ayashi, Tehran, Maktaba al-Ilmiya al-Is-

lamiya, 1380 AH.

Farahidi, Khalil ibn Ahmad, Kitab al-Ayn, Qom, Hijrat, 1410 AH.

Fayz-Kashani, Muhammad Mohsen ibn Shah Murtaza, Tafsir al-Safi, Tehran, Maktaba al-Sadr, 1415 AH.

Qummi, Ali ibn Ibrahim, Tafsir al-Qummi, Qom, Dar al-Kitab, 1363.

Qahari-Kirmani, Muhammad Hadi, "The Nature of Interpretation of the Quran in Verses and Hadiths and a Study of Popular Views Based on It", Research Journal of Quranic Interpretations, Second Volume, Third Issue, Fall and Winter 2019.

_____, "Analytical Typology of Narrations of Jari", Hadith Sciences Quarterly, Volume 28, Issue 4, Winter 1402 AH.

_____, "Typology of Jari and Al-Malami from the Perspective of Allama Tabataba'i", Quran and Hadith Sciences Quarterly, Volume 55, Issue 2, Autumn and Winter 1402 B.

Kolayni, Muhammad ibn Ya'qub, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyyah, 1407 AH.

Lakzai, Sughri and Qasemnejad, Zahra, "Jari and Al-Malami in the Hadiths of Imam Reza (AS)", Baynat Magazine, Issues 86 and 87, Summer and Autumn 1394.

Majlisi, Muhammad Baqor ibn Muhammad Taqi, Bihar al-Anwar, Beirut, Dar al-Ihya' al-Turat al-Arabi, 1403 AH.

Masoudi Sadr, Hedieh, "The Use of Jari and Al-Malami in the Interpretation of the Quran", Quranic Studies Quarterly, Issue 34, Summer 1397.

Mo'stafari, Hassan, Investigation of the Words of the Holy Quran, Tehran, Book Translation and Publishing Company, 1988.

Momennejad, Abolhassan, A Study of the Principles and Evidence of Jari and Al-Malami in the Quran, University of Sciences and Education of the Holy Quran, 1986.

Nasiri, Ali, "Jari and Al-Malami in Al-Mizan", Journal of Quranic Sciences and Education, No. 2, Summer 1986.

_____, The Mutual Relationship between Books and Tradition, Tehran, Religious Culture and Thought Research Institute Publications, 2006.

Nafisi, Shadi, Allameh Tabataba'i and Hadith, Tehran, Scientific and Cultural Publications, 2005.

_____, "Fundamentals of Translation and Translation from the Perspective of Allameh Tabataba'i", Quran Knowledge Magazine, Issue 12, Fall and Winter 2013.

Hashemi Nashlaji, Ali, Criteria for Implementation and Implementation from the Perspective of Allameh Tabataba'i, Qom, Islamic Sciences and Culture Research Institute, 2019.

Yazdanpanah, Yadollah, "Implementation and Implementation, Its Methods and Foundations," Mystical Wisdom Magazine, No. 4, Fall and Winter 2012.